

## دوران دست‌نشانده‌گی

کاوه بیات

دست‌نشانده‌گی ویژگی‌های خاص خود را دارد، ولی همه آنها مستلزم تبادل خدمات و کالاهایی هستند که برای افزایش امنیت «حامی» (patron) و «دست‌نشانده» (client) ضروری است و معمولاً از منابع دیگر قابل تأمین نیستند.» (ص ۲). مؤلف، بر اساس تعریف بالا، فصل اول را به بررسی نظری این مقوله و آراء گوناگونی که درباب آن مطرح شده اختصاص داده است. در آخر نیز با اشاره به سیاست خارجی دو قدرت آمریکا و شوروی در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، موارد مشخص و متنوعی از این نوع رابطه را برمی‌شمارد. کشورهایی چون گواتمالا، نیکاراگوئه، پاناما، کامبوج، ایران، اندونزی، لائوس، فیلیپین، کره جنوبی، تایوان و ویتنام جنوبی از یک سو، و کل اروپای شرقی و ممالکی چون کوبا و مغولستان و ویتنام شمالی از سوی دیگر، از زمره کشورهای هستند که با ایالات متحده یا شوروی رابطه مستحکم «دست‌نشانده‌گی» داشته‌اند. نمونه‌هایی چون یونان و ترکیه و پاکستان و اسرائیل و اردن و تایلند و پاره‌ای از کشورهای آمریکای لاتین و همچنین سومالی و مصر و سوریه و افغانستان و کره شمالی نیز مواردی محسوب شده‌اند که با دو قدرت آمریکا و شوروی رابطه دست‌نشانده‌گی نسبی و متوسط داشته‌اند. آرژانتین و شیلی و پرو و اتیوپی و ژاپن و همچنین مالی و یمن جنوبی نیز حلقه‌های ضعیف روابط دست‌نشانده‌گی را تشکیل می‌دادند (ص ۲۷). مهمترین تأثیری که از استقرار رابطه مزبور حاصل می‌شود این است که دولت دست‌نشانده بیشتر تحکیم و تثبیت می‌شود و در نتیجه در عرصه سیاست داخلی به نوعی استقلال عمل و «خودمختاری» (به معنی بی‌اعتنایی و عدم اتکاء به نیروهای داخلی و بی‌توجهی به مصالح ملی) دست می‌یابد که معمولاً به صورت یک نظام استبدادی نمایان می‌گردد. در این کتاب ایران، که از لحاظ نحوه روابطش با ایالات متحده از زمره کشورهای

Mark J. Gasiorowski, *U.S. Foreign Policy and the Shah, Building a Client State in Iran*, Ithaca and London, Cornell University Press, 1991, XVI+242 pp.

انقلاب اسلامی ایران موجب تحولات و دگرگونی‌های بسیاری شد. یکی از نخستین زمینه‌هایی که تحت تأثیر این دگرگونی‌ها قرار گرفت عرصه پژوهش در تاریخ معاصر ایران و ریشه‌یابی انقلاب بود. اگرچه بسیاری از نوشته‌ها و مطالبی که در داخل و خارج از کشور در این زمینه منتشر شده بیشتر جنبه جدلی داشته است تا تحقیقی، ولی پژوهشگرانی نیز در این میان نشان داده‌اند که سعی دارند، به دور از حسابگری‌های سیاسی روز، حتی الامکان به شناختی اساسی از واقعیت امر و علل تغییرات و تحولات مزبور دست یابند. مارک گاز یوروسکی استاد علوم سیاسی در دانشگاه لویزیانا نیز از این دست پژوهشگران است که چندی پیش با انتشار مقاله «کودتای ۱۹۵۳ ایران» آشکار ساخت که صاحب نظری است جدی و جدید. انتشار تحقیق دیگر وی تحت عنوان «روابط امنیتی ایران و آمریکا» نیز این استنباط را تأیید می‌کند. اینک با انتشار کتاب سیاست خارجی ایالات متحده و شاه، ایجاد یک دولت دست‌نشانده در ایران بررسی بخش بیشتر و منسجم‌تری از نتایج تحقیقات او درباره نقش و تأثیر دخالت ایالات متحده در امور ایران در ایام حاکمیت محمدرضا شاه میسر شده است.

محور اساسی پژوهش گاز یوروسکی، همان گونه که از عنوان فرعی کتاب برمی‌آید، چگونگی استقرار رابطه «دست‌نشانده‌گی» (cliency) میان ایران و آمریکا است. بنابر تعریف مؤلف، این پدیده، رابطه‌ای است «... بر پایه ملاحظات امنیتی و منافع متقابل میان حکومت‌های دو کشور که از لحاظ وسعت و ثروت و قدرت با یکدیگر تفاوت بسیار داشته باشند. هر یک از رابطه‌های

دسته اول شمرده شده است، به عنوان يك مورد مشخص از این مقوله بررسی شده است.

اگرچه ایران از سالهای نخست جنگ سرد، یعنی از پایان جنگ جهانی دوم، در استراتژی جهانی ایالات متحده نقش مهمی یافت ولی آغاز استقرار رابطه دست نشانده با امریکا اوایل دهه ۱۹۵۰، یعنی ایام بحران ملی کردن نفت است. در فاصله سالهای پایان جنگ تا آن زمان علی رغم درخواستهای مکرر دولتهای آن زمان برای کسب کمکهای مالی و تسلیحاتی آمریکا و توجه گاه به گاه مقامات آمریکایی به اوضاع ایران، کشور ما در مقایسه با غالب کشورهای اروپایی و آسیایی که در آن زمان از حمایت مالی و نظامی آمریکا برخوردار بودند، در رده های آخر قرار داشت.<sup>۲</sup> درگیری اساسی ایالات متحده در امور داخلی ایران، نخست به صورت سیاسی و در کار تهیه و تدارک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد. در پی پیروزی کودتا و استقرار دولت زاهدی، کمکهای مالی و تسلیحاتی گسترده نیز بر حمایت سیاسی آمریکا از رژیم کودتا افزوده شد. بدین ترتیب يك رابطه دست نشانده میان ایران و آمریکا ایجاد شد که پس از طی مراحل در سالهای نخست دهه ۱۹۶۰ میلادی به نقطه اوج خود رسید و بالأخره در سالهای میانی همان دهه، بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، فروکش کرد.

بخش اصلی تحقیقات گازیوروسکی بر این دوره، یعنی از کودتای ۲۸ مرداد تا شروع دوران صدارت هویدا، متمرکز است ولی طبعاً فصلهایی را نیز به عنوان مقدمه و مؤخره به شرح مختصر تحولات سیاسی و اقتصادی ادوار پیشین و بعدی اختصاص داده است. مقدمات تاریخی در فصل دوم با اشاره ای به اوضاع ایران در قرن نوزدهم، انقلاب مشروطه و استقرار حکومت رضاشاه آغاز می شود. در این فصل نویسنده با توجه به نقش عواملی چون رقابت و دخالت قدرتهای خارجی و همچنین ویژگیهای ساختاری جامعه ایرانی، تحولات این دوره را از لحاظ دگرگونیهای حاصل در ترکیب طبقاتی جامعه بررسی می کند. به نظر او، یکی از دلایل بحران سیاسی، که از آغاز به صور گوناگون و بویژه به شکل شکست نهضت مشروطه ظاهر می شود، این است که در هیچ يك از این ادوار نظام سیاسی متناسب با تحول ساختار طبقاتی جامعه - یعنی به وجود آمدن يك طبقه متوسط قابل اعتنا - نتوانست ایجاد شود. نمای تاریخی این مسئله، که در واقع یکی از مضامین اصلی دوره مورد بحث گازیوروسکی نیز هست، در این فصل مقدماتی به روشنی ترسیم شده است.

فصل سوم که «دولت مصدق و زوال آن» نام دارد با پژوهشی درباره دلایل و انگیزه های واقعی دولت آمریکا برای مداخله در امور ایران آغاز می گردد. نویسنده با توجه به اسناد و مدارک

وزارتخانه های خارجه ایالات متحده و بریتانیا بر این باور است که، بر خلاف پاره ای از داوریهای روزگار، در آن مرحله خاص نه شرکت های نفتی آمریکایی حرص و ولعی جهت دستیابی بر نفت ایران داشتند و نه تشکیلات امنیتی ایالات متحده کشور را در آستانه سقوط به دامن کمونیسم تلقی می کرد. یکی از عوامل مهمی که در این تصمیم نامبارک دخیل افتاد به قدرت رسیدن آیزنهاور به جای ترومن و خط مشی جدید و فعالانه تری بود که دولت او در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفت. در خلال تبلیغات انتخاباتی جمهوری خواهان در سال ۱۹۵۲، مسئله از «دست رفتن» چین و ضرورت اتخاذ موضع سرسختانه تری در قبال توسعه طلبی شوروی یکی از مهمترین مضامین بود. بویژه آنکه جان فاستر دالس نیز ایران را بالقوه يك چین دوم دانسته بود (ص ۸۳). تشکیلاتی که سیا از چندی پیش برای رویارویی با فعالیت های کمونیستی در ایران بر پا داشته بود، با همکاری عناصر طرفدار دربار و انگلیس، بر ضد مصدق وارد کار شد و کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ پس از یکی دو روز بلا تکلیفی به ثمر نشست.<sup>۳</sup>

«استقرار دولت دست نشانده ایالات متحده در ایران» عنوان فصل چهارم این کتاب است که به تلاشهای موفقیت آمیز دولت زاهدی در سرکوب جبهه ملی و انهدام تشکیلات حزب توده و گامهای نخست دولت ایران برای جای گرفتن در چارچوب استراتژی جهانی آمریکا بر ضد شوروی اختصاص دارد. در عرض ده سال رژیم جدید با حمایت مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی ایالات متحد به يك دولت دست نشانده تمام عیار تبدیل شد. کمکهای اقتصادی، امنیتی، همکاریهای امنیتی منطقه ای و بالأخره همکاریهای فرهنگی از جمله مسائلی است که هر يك به صورت جداگانه و به تفصیل در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

حاشیه:

1) «The 1953 Coup d'Etat in Iran», *International Journal of Middle East Studies*, 19 (August 1987), 261-86

این رساله اندکی پس از انتشار به فارسی ترجمه و منتشر شد: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه سرهنگ غلامرضا نجاتی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۶۸.  
۲) بنگرید به:

Nikki Keddie and Mark Gasiorowski, (ed.), *Neither East Nor West: Iran, the Soviet Union and the United States* (New Haven, 1990).

۳) به عنوان نمونه می توان به میزان کمکهای دریافتی ایران و ترکیه در این سالها توجه کرد. ارقام ذیل به میلیون دلار است. (ص ۵۳):

۱۹۵۲	۱۹۵۱	۱۹۵۰	۱۹۴۹	۱۹۴۸	۱۹۴۷	۱۹۴۶
۲۴/۱	۲۷/۸	۱۱/۸	—	۲۲/۵	۳/۳	۲/۳
۲۵۹	۲۱۹/۸	۱۸۲/۲	۱۱۷/۳	۷۲/۱	۲/۶	۶/۱

۴) برای آگاهی بیشتر از این موضوع بنگرید به ترجمه فارسی رساله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پیشین.

اهم کمکهای مالی ایالات متحده به ایران در این دوره به قرار زیر است (ارقام به میلیون دلار است):

اقتصادی/نظامی (۱۹۴۹-۱۹۵۳)	اقتصادی/نظامی (۱۹۵۴-۱۹۶۱)	اقتصادی/نظامی (۱۹۶۲-۱۹۶۹)
(۹/۷) (۱۷/۶)	(۶۴/۵) (۶۰)	(۲۸/۵) (۱۰۳/۵)

حدود نیمی از کمکهای اقتصادی مزبور مستقیماً جذب بودجهٔ مملکتی شد و نیم دیگر صرف تأمین هزینهٔ طرحهای توسعهٔ اقتصادی شد که با همکاری فنی خود آمریکاییها اجرا می‌گردید (ص ۱۰۵).

بخش عمدهٔ کمکهای نظامی ایالات متحده صرف بازسازی ارتش و افزایش توان نظامی آن گردید. هدف از این برنامه، گذشته از تثبیت غلبهٔ نظام بر مخالفان داخلی، ایجاد نیرویی بود که بتواند در امتداد محور عملیاتی رشته کوههای زاگرس، در صورت تهاجم نظامی شوروی، پیشروی روسها را مدتی کند یا متوقف سازد تا نیروهای غرب وارد عمل شوند. تأسیس هستهٔ تشکیل‌دهندهٔ ساواک و تأمین آموزشهای لازم برای این تشکیلات، که آن نیز تحت سرپرستی افسران سیا صورت گرفت، در کنار فعالیت مستشاران آمریکایی در شهربانی و ژاندارمری از بخشهای مهم همکاریهای امنیتی ایران و آمریکا بود. قسمت مربوط به همکاریهای امنیتی منطقه‌ای بیشتر به چگونگی تأسیس سازمان سنتو و عملکرد آن اختصاص دارد. اعطای بورسهای تحصیلی، انتشار کتابها و نشریات تبلیغاتی در افشای کمونیسم و معرفی «شیوهٔ زندگی آمریکایی»، بسیاری دیگر از فعالیتهای علنی و غیرعلنی «فرهنگی» که غالباً بی‌ارتباط با محافل اطلاعاتی ایالات متحده نبوده است، مطالب بخش همکاریهای فرهنگی را تشکیل می‌دهد.

«دولت و جامعهٔ ایران در ایام حکمرانی شاه» عنوان فصل پنجم است که به تشریح دگرگونیهای شیوهٔ تولید کشور در این دوره، نقش روزافزون دولت در اقتصاد و تأثیر این دگرگونیها بر ساختار اجتماعی و طبقاتی ایران می‌پردازد. هنوز هم ایران با مسئلهٔ توسعهٔ چشمگیر یک طبقهٔ متوسط فعال و حضور بالنسبه گستردهٔ طبقهٔ کارگر روبرو است، و این وضع نظام حکومتی متناسب با خود را ایجاب می‌کند، ولی دو عامل، نخست استقرار رابطهٔ دست‌نشاندهی میان ایران آمریکا و پس از چندی عواید فزایندهٔ نفت، مانع از پیدایش چنین نظامی می‌گردد.

تحولات سیاسی ایران در صحنهٔ داخلی کشور در این دوره، که از دیدگاه تاریخ‌نگاری ایران نیز واقعاً یکی از ناشناخته‌ترین ادوار معاصر است، جالبترین بخش این کتاب را تشکیل می‌دهد. در پی کودتای ۲۸ مرداد مسئلهٔ اساسی رژیم سرکوب جبههٔ ملی و حزب

توده است که از طریق اقدامات پلیسی صورت می‌پذیرد، ولی مشکلات سیاسی رژیم شاه به این مسئله محدود نمی‌شود. با استقرار رابطهٔ دست‌نشاندهی با ایالات متحده، زمینهٔ نوعی استقلال از نیروهای داخلی و خودمختاری نیز برای دستگاه پدید آمده است و گذشته از سرکوب مخالفان، رژیم می‌کوشد تا خود را از قید وابستگی به اقشار و گروههای حاکم سنتی نیز برهاند. این اقشار و گروهها در جریان سقوط دولت مصدق و بویژه در ایام نخست‌وزیری زاهدی قدرت بسیار یافتند. شاه سعی کرد با اقداماتی چون عزل زاهدی و انتصاب حسین علا به جای او، اعمال نظر بیشتر در انتخابات مجلس نوزدهم و به راه‌انداختن بازی حزب مردم و ملیون در مراحل بعدی، دست جناح حاکم سنتی را از امور کوتاه کند. این تغییر و دگرگونی، یا به عبارت دیگر دوران گذر به ایام یک‌تازگی نظام پهلوی، که اندکی پس از کودتای ۱۳۳۲ آغاز شد و تا سالهای پایانی دههٔ ۱۹۶۰ میلادی (سالهای میانی دههٔ ۱۳۴۰) ادامه یافت، به فعالیت انبوهی از چهره‌ها و حرکت‌های سیاسی میدان داد که تعیین نقش و مقام آنها در زنجیرهٔ تحولات سیاسی پیشین و بعدی کشور هنوز هم به صورت یک معضل برجای است. گازیوروسکی سعی کرده است با به دست‌دادن نوعی تقسیم‌بندی این مسئله را حل و فصل کند. حزب توده از صحنهٔ سیاسی کشور طرد شده است؛ سواپق و عملکرد بعدی بقایای نهضت ملی، که بالأخره سعی می‌کنند با تأسیس جبههٔ ملی دوم از نو وارد کار شوند، و جناح مذهبی آنها که با تشکیل نهضت آزادی سازمان مشخصی به خود می‌گیرد، نیز تا حدود بسیاری روشن است. مشکل اصلی تبیین موقعیت چهره‌هایی چون علی امینی، ابوالحسن ابتهاج، حسن ارسنجانی و ولی‌الله قرنی است که گازیوروسکی آنها را «ناسیونالیستهای مستقل» نام داده و افرادی چون مظفر بقایی، آیت‌الله کاشانی، احمد آرامش، محمد درخشش، محسن پزشکیور و «نیز شاید» خلیل ملکی، که به زعم نویسنده بخش «پوپولیستهای عوام‌فریب و فرصت‌طلب‌های سیاسی» نهضت ناسیونالیستی کشور را تشکیل می‌دادند (ص ۶۹-۱۶۸). به حرکت سیاسی روحانیون شیعی نیز در این دوره صرفاً اشاره‌ای مختصر شده است. همان‌گونه که گفتیم، در این دوره، گذشته از تداوم مخالفتهایی که

## نظر اجمالی به چند کتاب چاپ خارج

### اسلام و مشروطیت ایران

Vanessa Martin, *Islam and Modernism: The Iranian Revolution of 1906*, London, Tauris, 1989, 245p.

وانسامارتین، اسلام و تجدد: انقلاب ۱۹۰۶ ایران، لندن، توریس، ۱۹۸۹، ۲۴۵ ص.

حوادثی که به اعطای مشروطیت و وضع قانون اساسی و چگونگی اجرای آن انجامید، هنوز برای بسیاری از مردم در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و لذا هر کار تازه‌ای که در این زمینه انجام بگیرد درخور ستایش است. کتاب حاضر از جمله کارهای تازه‌ای است که به قول یکی از محققان تاریخ معاصر ایران «نخستین تحقیق وسیعی است که بدون پیشداوری، و در واقع بدون حُب و بغض عقیدتی، روابط علمای شیعه را با دولت و حکومت و جامعه آن روز بررسی می‌کند».

تحقیق حاضر عمدتاً بر دو دسته از مآخذ استوار است: منابع راكد (بایگانیهای انگلیس، ایران، بلژیک و روس) که عموماً منتشر نشده است و اگر هم منتشر شده جزئی و پراکنده بوده است، و تحقیقاتی که در باره آن دوره انجام گرفته است (عمدتاً به فارسی و انگلیسی). با اینکه کتاب بسیار فشرده و موجز است انگیزه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و سیاسی «انقلاب مشروطه» به دقت و جزء به جزء در آن بررسی شده است. این بررسی از زمان فراهم آمدن مقدمات مشروطیت آغاز می‌شود و با سقوط محمدعلی شاه در ۱۹۰۹ (۱۳۲۷ ه.ق) پایان می‌گیرد. تقسیم‌بندی فصول کتاب به این شرح است: (۱) روابط علما با دولت؛ (۲) علما در عصر قاجار و بروز انقلاب؛ (۳) طباطبایی و کوشش برای اصلاحات؛ (۴) علما و استقرار مجلس ملی مشورتی؛ (۵) گرایش به قانون اساسی و شریعت اسلام؛ (۶) اصلاحات و ارتجاع؛ مهر ۱۹۰۷ تا خرداد ۱۹۰۸؛ (۷) حاج شیخ فضل الله و دفاع از آرمان حکومت. مفصل‌ترین تجزیه و تحلیل این کتاب به دو تن از علمای بزرگ، که نقش متضاد مهمی در حوادث برعهده داشتند، مربوط می‌شود: سید محمد طباطبایی، فقیهی که به عقیده مؤلف «لیبرال» و طرفدار اصلاحات اجتماعی و سیاسی و متأثر از اندیشه‌های اروپایی بوده است، و حاج شیخ

در نهضت ملی سالهای پیش از کودتا ریشه داشت، با نوعی واکنش و مخالفت جناح حاکم سنتی، که داشت موقعیت پیشین خود را دست می‌داد، روبرو هستیم که شاید شاخص‌ترین وجه آن را بتوان تیمور بختیار و تلاش او برای سرنگونی شاه دانست. اگرچه مؤلف با استناد به گزارشهای سیاسی سفارت آمریکا در مورد هر يك از این چهره‌های سیاسی نکات و اطلاعات جالبی به دست می‌دهد ولی مشکل تبیین نقش و مقام واقعی آنها در فراز و نشیبهای سیاسی دوره مسورد نظر کماکان بر جای باقی می‌ماند.

یکی از جالبترین ویژگیهای کار مؤلف بهره‌گیری وی از نوعی منابع غیرمتعارف است که تا حدودی کاستیهای ناشی از دسترس نداشتن به انبوه اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده این دوره را برطرف می‌کند. او با تعدادی از مأموران و صاحب‌منصبان سابق سیا در ایران مصاحبه‌هایی داشته و از این رهگذر به افشای نکات ناگفته‌ای از دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران موفق گردیده است؛ نکاتی چون تأسیس شبکه تبلیغاتی-سیاسی «بدمن» (BEDAMN) برای مبارزه با فعالیتهای کمونیستی و نقش مهمی که این دستگاه در کودتای ۲۸ مرداد ایفا کرد، ادامه فعالیتهای آن در حمایت از زاهدی، نظارت افسران آمریکایی بر عملیات فرمانداری نظامی در کشف و دستگیری شبکه نظامی حزب توده، و بسیاری نکات دیگر که شایسته تحقیق و پیگیری بیشتر است.

با دستیابی شاه به عواید هنگفت و روزافزون نفت، و همچنین تحکیم مبانی امنیتی رژیم که حاصل ده سال رابطه «دست‌نشانگی» با ایالات متحده بود، دولت به مرحله بالاتری از «خودمختاری» گام نهاد، و این امر راه را برای اجرای سیاستهایی هموار کرد که روزبه‌روز بر جدایی رژیم از مردم و بی‌توجهی آن به مصالح اجتماعی می‌افزود، و بالأخره به انقلاب اسلامی منجر شد. اگرچه بخشی که مؤلف به بررسی این دوره اختصاص داده است، مانند فصل مقدماتی، مطالب درخور توجهی دربردارد ولی ارزش واقعی کتاب در شناخت جامع و دقیقی است که از ده سال مهم و اساسی در روابط ایران و آمریکا، سالهای کودتای ۲۸ مرداد تا تثبیت نهایی استبداد شاهنشاهی، به دست می‌دهد.